Original Article **Open Access**

Health Law Journal

2024; 2: e20

International ThinkTank of Human Dignity | The Bioethics and Health Law Institute | The Iranian Association of Medical Law

Analyzing the Descendants of Children Born of Fertility with the Help of a Third Party

Mohammad Javad Heidarian Dolatabadi[1]

1. Department of International Law, Faculty of Law and Political Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The study of pediatric pedigrees arising from artificial insemination with the help of a third party is one of the new subjects in the field of knowledge of law. Since in general three factors can be effective in realizing a fertility, one does not exist among the couples when one of these three factors asks for a succession; it is understood that, with the help of a third party, the missing factor among There are couples; that agent is available. These triple factors, each of which may be completed by a third party, include sperm, ovolum and uterus (the spawning site). In surveys among valid sources of jurisprudence and fatwa, what is the basis for the child's attachment to his parents; the sperm and ovol are male and female, composed of the spermatogenesis and ovulus, the primary spleen of the child. Therefore, in this type of artificial fertility, if a third person is a sperm or ovulus sperm, then the sperm or ovole owner is considered to be his or her parent.

Methods: This research employs a descriptive-analytical approach, utilizing Islamic jurisprudential sources, legal texts and authoritative fatwas to examine the lineage of children born through artificial insemination involving a third party. Data has been collected through library research and analyzed accordingly.

Ethical Considerations: The study adheres to ethical principles of academic research, including integrity in citations, impartiality in analyzing different viewpoints and respect for Islamic legal and jurisprudential foundations. Additionally, ethical and social sensitivities related to artificial insemination have been carefully considered.

Results: The research indicates that, in Islamic jurisprudence, a child's lineage is primarily attributed to the man and woman who provide the sperm and ovum. When a third party is involved in the artificial insemination process, legal and jurisprudential challenges arise in determining the child's lineage. The most significant challenges include inheritance rights, custody and the child's legal and religious identity.

Conclusion: Artificial insemination using a third party’s sperm or ovum creates various legal and jurisprudential ambiguities in determining the child's lineage. Given the significance of this issue in Islamic societies, clear and specific laws must be established to define the lineage and rights of children born through this method. Furthermore, raising awareness and considering ethical and religious aspects in this matter are essential.

Keywords: Medical Fertility; Artificial Insemination; Sperm; Ovol; Uterus; Third Party; Relative Relationship

Corresponding Author: Mohammad Javad Heidarian Dolatabadi; **Email:** mj.heydarian@khu.ac.ir

Received: September 22, 2024; **Accepted:** January 10, 2025; **Published Online:** February 03, 2025

Please cite this article as:

Heidarian Dolatabadi MJ. Analyzing the Descendants of Children Born of Fertility with the Help of a Third Party. Health Law Journal. 2024; 2: e20.

Copyright©2024, the Authors. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format for any purpose, even commercially) and Adapt (remix, transform and build upon the material for any purpose, even commercially) under CC BY 4.0 terms.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

دسترسی آزاد | مقاله پژوهشی

مجله حقوق سلامت

دوره دوم، ۱۴۰۳

اندیشکده بین المللی کرامت انسانی | انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت | انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

تحلیل نسب فرزندان حاصل از باروری‌های پزشکی با کمک شخص ثالث

محمدجواد حیدریان دولت‌آبادی[۱]

۱. گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بررسی نسب اطفال ناشی از تلقیح مصنوعی با کمک شخص ثالث، از موضوعات جدیدی است که در دانش حقوق، مورد بررسی قرار می‌گیرد. از آنجا که به طور کلی سه عامل را در تحقق یک باروری می‌توان مؤثر دانست، هرگاه یکی از این سه عامل در بین زوجین خواهان توالد، وجود نداشته باشد، تلقی ایجاد می‌شود که با کمک شخص ثالثی که عامل مفقودشده در بین زوجین را دارا می‌باشد، آن عامل مهیا گردد. این عوامل سه‌گانه که هر یک ممکن است توسط شخص ثالثی کامل شود، شامل اسپرم، اوول و رحم (مکان پرورش نطفه) می‌باشد. در بررسی‌های انجام‌شده در میان منابع فقهی و فتاوی معتبر، آنچه که مبنای انتساب طفل به والدین اوست، اسپرم و اوول مرد و زنی می‌باشد که از ترکیب اسپرم و اوول آن‌ها نطفه اولیه طفل تشکیل می‌شود، لذا در این نوع از باروری مصنوعی در صورتی که شخص ثالث، دهنده اسپرم یا اوول باشد، در این صورت صاحب اسپرم یا اوول، به عنوان پدر یا مادر او تلقی می‌شود؛ با توجه به معضلاتی که این فرایند در رابطه با تحلیل نسب عرفی والد فرزند و آثار حقوقی وارد بر این لقاح، شایسته است به بررسی ابعاد این موضوع پرداخت.

روش: این پژوهش با استفاده از روش توصیفی ـ تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع فقهی، حقوقی و فتاوی معتبر، به بررسی نسب اطفال ناشی از تلقیح مصنوعی با کمک شخص ثالث پرداخته است. داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش، اصول اخلاقی پژوهش‌های علمی از جمله امانتداری در نقل قول‌ها، رعایت بی‌طرفی در تحلیل دیدگاه‌های مختلف و احترام به مبانی فقهی و حقوقی رعایت شده است. همچنین به حساسیت‌های اخلاقی و اجتماعی مرتبط با موضوع تلقیح مصنوعی توجه ویژه‌ای شده است.

یافته‌ها: بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که در فقه اسلامی، نسب طفل عمدتاً به پدر و مادری که اسپرم و اوول را تأمین کرده‌اند، منتسب می‌شود. در مواردی که شخص ثالث در فرایند تلقیح مصنوعی دخالت دارد، تحلیل حقوقی و فقهی نسبت طفل با چالش‌هایی مواجه می‌شود. مهم‌ترین این چالش‌ها شامل مسائل مربوط به ارث، حضانت و هویت شرعی و قانونی کودک است.

نتیجه‌گیری: تلقیح مصنوعی با استفاده از اسپرم یا اوول شخص ثالث، ابهامات حقوقی و فقهی متعددی در تعیین نسب کودک ایجاد می‌کند. با توجه به اهمیت این موضوع در جوامع اسلامی، لازم است قوانین شفاف و مشخصی برای تعیین نسب و حقوق کودکانی که از این طریق متولد می‌شوند، تدوین شود. همچنین آگاهی‌بخشی و توجه به ملاحظات اخلاقی و شرعی در این زمینه ضروری است.

واژگان کلیدی: باروری پزشکی؛ تلقیح مصنوعی؛ اسپرم؛ اوول؛ رحم؛ شخص ثالث؛ رابطه نسبی

نویسنده مسئول: محمدجواد حیدریان دولت آبادی؛ **پست الکترونیک:** mj.heydarian@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۳/۱۰/۲۱؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Heidarian Dolatabadi MJ. Analyzing the Descendants of Children Born of Fertility with the Help of a Third Party. Health Law Journal. 2024; 2: e20.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

مقدمه

میل به توالد و فرزندآوری و فرزند پروری در میان نسل‌های مختلف بشر وجود داشته و دارد، اما پاسخ به این میل در هر زمان بسته به امکانات و فرصت‌های موجود در آن زمان متفاوت بوده است؛ به طور قطع اولین پاسخی که بر اساس طبیعت و غریزه انسانی در ادوار مختلف به این میل داده می‌شده است، ازدواج یک زن و مرد با یکدیگر و انجام آمیزش جنسی متناسب جهت تولید مثل بوده است، لیکن از گذشته تا به امروز موارد متعددی یافت شده است که زوجین به جهات مختلفی امکان تولید مثل طبیعی نداشته‌اند و همین جاست که راهکارهای دیگری برای پاسخ به این میل در زمان‌های مختلف و بر اساس مقتضیات و امکانات آن عصر مطرح می‌شود. از ساده‌ترین این راهکارها تقبُل سرپرستی کودکان بی‌سرپرست بوده است، اما پیشرفت علم و فناوری در قرون اخیر، امکاناتی را برای ابنای بشر مهیا ساخته است که از رهاورد آن می‌توان، میل به توالد را بهتر از گذشته پاسخ گفت. همانطور که می‌دانیم برای تولید مثل، سلول جنسی مرد (اسپرم) با سلول جنسی زن (اوول) ترکیب می‌گردد و نطفه فرزند به وجود می‌آید، اما مسأله‌ای که وجود دارد، این است که در مسیر یک تولید مثل طبیعی، موانع مختلفی احتمال بروز دارد. از جمله این موانع، کمبود تعداد اسپرم در مایع منی، عدم امکان لقاح و ترکیب اسپرم با اوول در بدن زن، عدم امکان نگهداری و رشد نطفه در رحم زن و بعضاً نبود اسپرم یا اوول سالمی که مقتضی لقاح باشد، را می‌توان بیان داشت. همانطور که مشاهده می‌شود برخی از این اشکالات که مانع یک باروری طبیعی است، از ناحیه مرد می‌باشد و برخی دیگر نیز از ناحیه زن ایجاد می‌شود.

فناوری‌های پزشکی اخیر، موجباتی را فراهم آورده است که موانع باروری زوجین نابارور را تا حدودی مرتفع می‌سازد.

مطالب این تحقیق در پنج بند مورد مطالعه قرار می‌گیرد: بند اول به تعریف تلقیح مصنوعی (باروری پزشکی) و بررسی آن در میان قوانین می‌پردازد. در سه بند بعدی با استفاده از نظریات فقهی به بررسی نسب فرزندان حاصل از باروری‌های پزشکی‌ای که در آن به واسطه نبود یکی از سه عامل لقاح، عامل مفقود با دخالت شخص ثالث تکمیل می‌گردد، پرداخته می‌شود. در بند پنجم نیز با دقت نظر به آیات قرآن مسأله نسب این اطفال مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. بیان مسأله و پیشینه پژوهش: تحقق یک باروری، نیاز به وجود سه عامل دارد که این سه عامل عبارتند از: یک اسپرم سالم مهیاشده جهت لقاح و نیز یک اوول سالم و یک محل متناسب جهت پرورش نطفه ترکیب‌شده از اسپرم و اوول، که اصولاً این محل همان رحم زن می‌باشد. اشکالاتی که برخی از آن‌ها فوقاً ذکر شد و به عنوان موانع باروری طبیعی مطرح گردید، به دو گونه قابل تقسیم می‌باشد: گونه اول موانع مربوط به اشکالاتی است که در مراحل مختلف لقاح رخ می‌دهد، اما به هیچ‌وجه ناشی از اشکال در یکی از سه عامل مذکور نمی‌باشد که از مهم‌ترین این موارد موردی است که در مایع منی مرد به تعداد کافی اسپرم وجود ندارد تا بتواند شرایط لقاح طبیعی را مهیا سازد. از این روست که در این حالت به طور معمول اسپرم زوج با اوول زوجه در محیط آزمایشگاهی تلقیح می‌گردد و نطفه به دست‌آمده وارد رحم زوجه می‌شود. مشخص است که در این حالت هر سه عامل مذکور بدون هیچ گونه ایرادی وجود داشته و مهیای باروری بوده، اما این باروری به صورت طبیعی امکان‌پذیر نبوده است؛ گونه دوم موانعی است که ناشی از نبود یکی از سه عامل فوق‌الذکر ایجاد می‌شود، به این صورت که زن و مردی که بین آن‌ها رابطه زوجیت برقرار است، برای اینکه یک باروری طبیعی داشته باشند، نیاز است که این سه عامل را به طور کامل دارا باشند. اما همانطور که می‌دانیم موارد متعددی وجود دارد که یکی از این سه عامل در بین زوجین، به طور سالم و مهیا برای باروری طبیعی نمی‌باشد؛ ایجاست که مسأله باروری به کمک شخص ثالث مطرح می‌گردد.

در این جستار موانع دسته اول، از موضوع بحث ما خارج است، زیرا هر سه عامل لقاح در مواردی که این موانع حادث می‌شود، بدون ایراد و اشکال وجود دارد و به همین جهت است که اصولاً نسب این‌گونه فرزندان مورد اختلاف نیست و به نظر

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

عموم فقها فرزندان ناشی از این‌گونه تلقیح مصنوعی، همانند فرزندانی که به صورت باروری طبیعی متولد شده‌اند، به پدر و مادر خود (صاحبان نطفه) ملحق و منسوب می‌باشند، اما آنچه که در این نوشتار به آن می‌پردازیم، بررسی نسب فرزندان حاصل از باروری‌های پزشکی با کمک شخص ثالث می‌باشد و آنچه مورد مطالعه قرار گیرد، همان موانع دسته دوم می‌باشد که در آن‌ها حداقل یکی از سه عامل لقاح طبیعی، در بین زوجین به صورت سالم و مقتضی توالد وجود ندارد. نسب این‌گونه فرزندان را در سه حالت می‌توان بررسی نمود: حالت اول مواردی است که در رابطه بین زوجین، اسپرم و اوول سالم و مهیا برای توالد وجود دارد، امبا رحم زوجه فاقد استعداد پرورش و نگهداری نطفه است و یا اینکه زوجه کلاً فاقد رحم می‌باشد؛ حالت دوم مواردی است که در رابطه بین زوجین، رحم زوجه سالم بوده، اما زوجه فاقد سلول جنسی (اوول) سالم می‌باشد و این در حالیست که زوج دارای اسپرم سالم و مهیای تلقیح می‌باشد؛ نهایتاً حالت سوم که در آن زوج فاقد اسپرم بوده، اما زوجه دارای رحم سالم و نیز اوول سالم و مهیای تلقیح می‌باشد. در حالاتی که ذکر شد، تنها یکی از عوامل لقاح وجود ندارد، اما واضح است که حالات دیگری نیز وجود دارد که در آن دو عامل و یا هر سه عامل در رابطه بین زوجین مفقود است که به جهت جلوگیری از اطناب کلام از بررسی آن عبور می‌کنیم، زیرا با بررسی سه حالت مذکور، حکم سایر حالات نیز آشکار می‌شود و به همین جهت نیازی به بررسی این موارد نیست.

در خصوص سابقه این تحقیق نیز، شایان ذکر است که تا کنون مقالات زیادی نگاشته شده و به طور مفصل موضوع باروری پزشکی مورد بررسی قرار گرفته است، اما در این جستار اهتمام بر آن است که در موضوع طرح‌شده تنها در خصوص نسب اطفال ناشی از باروری پزشکی با دخالت شخص ثالث بررسی به عمل آید.

در سطح جهانی نیز تاکنون کنگره‌های بین‌المللی متعددی جهت بررسی این موضوع برگزار شده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی ـ تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع فقهی، حقوقی و فتاوی معتبر، به بررسی نسب اطفال ناشی از تلقیح مصنوعی با کمک شخص ثالث پرداخته است. داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

یافته‌ها

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که در فقه اسلامی، نسب طفل عمدتاً به پدر و مادری که اسپرم و اوول را تأمین کرده‌اند، منتسب می‌شود. در مواردی که شخص ثالث در فرایند تلقیح مصنوعی دخالت دارد، تحلیل حقوقی و فقهی نسبت طفل با چالش‌هایی مواجه می‌شود. مهم‌ترین این چالش‌ها شامل مسائل مربوط به ارث، حضانت و هویت شرعی و قانونی کودک است.

بحث

۱. تعریف تلقیح مصنوعی (باروری پزشکی)، انواع آن و بررسی قانون مربوط به آن

۱-۱. تعریف باروری پزشکی: باروری پزشکی یا به عبارتی تلقیح مصنوعی در اصطلاح عبارت است از باردارکردن زنی بدون اینکه بین او و یک مرد نزدیکی صورت گیرد. به این طریق که با استفاده از وسایل پزشکی، اسپرم مرد وارد رحم زن شود و به این وسیله، آن زن باردار گردد (۱)، اما به نظر می‌رسد تعریف مذکور برخی از انواع تلقیح مصنوعی را دربر نمی‌گیرد. بنابراین برای اینکه این شمولیت وجود داشته باشد، مناسب‌تر آن است که گفته شود تلقیح مصنوعی عبارت است از هرگونه ترکیب اسپرم و اوول بدون اینکه در این ترکیب، رابطه جنسی طبیعی مقتضی لقاح، دخیل باشد که بدون شک

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

برای انجام این ترکیب استفاده از لوازم و تجهیزات پزشکی لازم است.

۱-۲. انواع باروری پزشکی: انواع باروری پزشکی از حیثیت‌های مختلفی، قابل تمایز است. در صورتی که رابطه بین صاحبان نطفه از لحاظ شرعی مد نظر باشد، ما با دو نوع باروری پزشکی مواجه می‌شویم که در یک نوع آن، زن و مرد صاحب اوول و اسپرم، با یکدیگر رابطه مناکحت دارند و به تعبیری میان آنان رابطه زناشویی شرعی برقرار است؛ در نوع دیگر چنین رابطه‌ای بین صاحبان نطفه برقرار نیست که از لحاظ احکام تکلیفی، نوع اول مورد اختلاف فقها است و نوع دوم نیز حسب نظر ایشان حرام است (۲).

اما آن حیثیتی که با استفاده از آن در این تحقیق، انواع تلقیح مصنوعی مورد بررسی قرار گیرد، مسأله نبود یکی از سه عامل مؤثر لقاح در بین زن و مردی است که با یکدیگر رابطه زناشویی شرعی دارند که به واسطه نبود این عامل، آن زن و مرد در پی تکمیل و ترمیم آن عامل از طرق پزشکی و با استفاده از اسپرم و یا اوول و یا رحم شخص ثالث در فرآیند باروری می‌باشند که در این تحقیق ما در پی بررسی نسب طفلی که از این فرآیند به وجود می‌آید، می‌باشیم.

۱-۳. قانون نحوه اهدای جنین: تنها قانونی که در خصوص این مسأله به تصویب رسیده است، قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور می‌باشد که در تاریخ ۱۳۸۲/۰۴/۲۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است (۳).

به موجب ماده ۱ این قانون، کلیه مراکز تخصصی درمان ناباروری ذی‌صلاح مجاز هستند که با رعایت شرایط قانونی و ضوابط شرعی نسبت به انتقال جنین‌های حاصل از تلقیح خارج از رحم زوج‌های قانونی و شرعی، پس از موافقت کتبی زوجین صاحب جنین، به رحم زنانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی، ناباروری آن‌ها (هر یک به تنهایی یا هر دو) به اثبات رسیده، اقدام نمایند (۴).

این مسأله یکی از موضوعات جدیدی است که در سال‌های اخیر برای آن قانون تنظیم شده است (۵)، اما باید دقت داشت که این قانون از ابعاد مختلفی نقصان دارد که از جمله می‌توان به مسأله نسب این فرزندان اشاره کرد که البته مسأله نسب را می‌توان در این مورد با دقت نظر به عمومات فقهی حل کرد، اما مسأله‌ای که وجود دارد، این است که قانون، تنها به صورت محدود باروری پزشکی را مطرح می‌کند و در خصوص باروری پزشکی با استفاده از اسپرم یا اوول و یا رحم شخص ثالث مطلبی ندارد، لذا لزوم رجوع به منابع فقهی و فتاوی معتبر در این زمینه کاملاً مشهود است.

۲. نسب فرزندان حاصل از باروری‌های پزشکی در حالتی که به واسطه نبود رحم سالم در بدن همسر، از رحم زن دیگری استفاده می‌شود:

یکی از عواملی که ممکن است در میان زوجین، موجب ناباروری آن‌ها باشد، مسأله عدم قابلیت پرورش نطفه در رحم زن است. به این صورت که از میان سه عاملی که قبلاً مطرح شد، سلول جنسی مرد و سلول جنسی زن مهیای تلقیح می‌باشد، اما به واسطه اینکه رحم زن توانایی پرورش نطفه حاصل‌شده را ندارد، زوجین قادر به باروری طبیعی نیستند، لذا جهت حصول این منظور لازم است تا نطفه حاصل از اسپرم شوهر و اوول همسرش، به رحم زن دیگری منتقل گردد تا با بهره‌گیری از آن رحم، شرایط مورد نیاز جهت پرورش نطفه حاصل گردد. در چنین مواردی سؤالی که مطرح می‌شود، این است که فرزند حاصل از این تلقیح مصنوعی، ملحق به کدام یک از این افراد می‌باشد، در این بند سعی می‌شود تا به این سؤال پاسخ درخوری داده شود.

۲-۱. مبانی قانونی: همانطور که می‌دانیم قانون نحوه اهدای جنین، در این خصوص ساکت است (۶)، اما با توجه به اینکه در حقوق ایران اصولاً رابطه طبیعی و ژنتیکی، مبنای نسب می‌باشد، در این مورد نیز طفل را باید به صاحبان اسپرم و اوول ملحق دانست. شایان ذکر است که قانونگذار ایران تنها طفل ناشی از زنا را ملحق به زانی نمی‌داند (مواد ۱۱۶۷ قانون مدنی و ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) و از آنجا که تولید مثل به روش مصنوعی، زنا به شمار نمی‌آید و مشمول تعریف آن نمی‌شود، به نظر می‌رسد طفل حاصل از این روش نیز ملحق به صاحبان نطفه می‌شود (۷).

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

۲-۲. تحلیل فقهی: عمل انتقال و کاشت نطفه حاصله از زوجین، به رحم زن اجنبی، خواه این زن شوهر دار یا بدون شوهر باشد، با توجه به اینکه مشمول هیچ یک از عناوین حرام نمی‌باشد، عملی جایز است و طفل حاصل نیز ملحق به صاحبان اسپرم و اوول است (۸). در خصوص این حکم اظهار شده است که ملاک نسب حتی در موارد ولادت حرام، تنها نطفه است و برخی از احکام شرعی مانند نفقه و حضانت نیز مشروط به آنکه نسب طبیعی معلوم باشد، مترتب می‌شود، هرچند که برخی از آثار و احکام شرعی بر نسب حرام مترتب نمی شود (۹).

عموم صاحب‌نظران در این خصوص قائل به این نظر شده‌اند که مبنای انتساب شرعی طفل به والدین، همان رابطه طبیعی طفل با صاحبان نطفه است، البته توجه به این نکته نیز ضروری است که در وهله اول رابطه اعتباری نسب، توسط عرف و به واسطه پیدایش طفل از والدین برقرار می‌شود که شارع مقدس نیز بر این ارتباط صحه می‌گذارد، اما در برخی موارد و به جهت حراست از مصالح اجتماعی این رابطه توسط شارع قطع می‌شود که مورد آن، در مسأله طفل ناشی از زنا می‌باشد و این در حالیست که در بقیه موارد همان رابطه عرفی که بر اساس رابطه طبیعی طفل با صاحبان نطفه است، مورد تأیید شارع نیز واقع می‌شود، فلذا در مسأله تحت نظر رابطه نسبی طفل تنها با صاحبان اسپرم و اوول برقرار می‌شود (۱۰). فتوای آیت‌الله سیستانی نیز با این نظر همراه است، فتوای ایشان در خصوص حالت مذکور، آن است که الحاق فرزند حاصل، به زن صاحب اوول، وجهی دارد، گرچه نباید احتیاط ترک شود (۱۱). دقت نظر به این نکته نیز مهم است که مسأله مورد بحث ما، مصداق ریختن منی در رحم زن اجنبی و نیز مصداق روایاتی که دلالت بر حرمت آن دارد، نیست، لذا این عمل را باید جایز شمرد (۱۲).

۲-۳. نقد و بررسی: حال پس از آنکه معلوم گردید، رابطه نسبی بین صاحب رحم و طفل برقرار نمی‌گردد، این سؤال به ذهن می‌آید که آیا صاحب رحم، هیچ‌گونه رابطه اعتباری با طفل ندارد؟ در پاسخ به این سؤال برخی برآنند که برقراری رابطه‌ای مشابه رابطه رضاعی، بین صاحب رحم و طفل مفروض است (۱۳). به عبارت دیگر به واسطه اینکه تکامل نطفه در رحم این زن بوده است، نوعی مانعیت نکاح و نشر حرمت بین صاحب رحم و خویشاوندان او از یکسو و آن طفل از سوی دیگر، مورد سؤال است. در بررسی این مسأله، با مراجعه به قانون متوجه این امر می‌شویم که قانونگذار، موانع نکاح را در ماده ۱۰۴۵ قانون مدنی، محصور بین سه امر نسب، سبب و رضاع دانسته است و از این مورد سخنی به میان نیاورده است. از طرفی ایجاد رابطه رضاعی، نیازمند تحقق شرایطی است که در این مورد، این شرایط محقق نیست، لذا به جهات مذکور و با توجه به اصل عدم حرمت و قرابت، نمی‌توان قائل به وجود رابطه خویشاوندی که مقتضی حرمت نکاح باشد، بود (۱۴).

۳. نسب فرزندان حاصل از باروری‌های پزشکی در حالتی که به واسطه اشکال در اسپرم و یا فقدان آن در بدن شوهر، از اسپرم مرد دیگری، جهت تلقیح آن با اوول زن استفاده می‌شود:

در بررسی این مسأله دقت نظر به اینکه در شرع، حقیقت شرعیه‌ای برای نسب وجود ندارد، حائز اهمیت است، بدین‌معنا که در خصوص حقیقت نسب و معنای آن، شرع از عرف پیروی می‌کند و عرف نیز طفل را منتسب به صاحبان اوول و اسپرم می‌داند، البته این موضوع به معنای نادیده‌گرفتن مواردی که شرع در آن‌ها نسب شرعی را موجود نمی‌داند، نیست و همانطور که می‌دانیم، در شرع مقدس، مسأله زنا به عنوان مانعی برای انتساب طفل به صاحبان نطفه برقرار شده است. از طرفی تلقیح مصنوعی و ایجاد طفل از اسپرم و اوول زن و مردی که با یکدیگر رابطه مناکحت ندارند، از مصادیق زنا نیست، فلذا طفل به وجودآمده در این شرایط را نمی‌توان طفل متولد از زنا دانست. از این روست که به واسطه عدم شمولیت این منع شرعی نسبت به نسب این طفل، باید او را ملحق به صاحبان نطفه دانست، حتی اگر بین آنان رابطه زوجیت شرعی نباشد (۱۵).

۳-۱. مبانی فقهی: به علاوه دانش پزشکی نیز منشأ انتساب فرزند به پدر را، اسپرم موجود در منی مرد می‌داند و عرف نیز

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

بر اساس همین معیار و برای بیان این امر واقعی و تکوینی، عنوانی به نام «نسب» را وضع می‌کند. قوانین کشورهای مختلف و نیز آیاتی از قرآن کریم نیز مؤید این ادعا است. آیات ۵۴ سوره فرقان، ۳۰ سوره انبیاء و آیه ۲ سوره انسان با استفاده از واژه‌هایی چون «الماء» و «نطفه» بر این معنا دلالت دارند (۱۶).

در میان فقها مسأله واردکردن منی مرد اجنبی در رحم زن اجنبیه عموماً نامشروع تلقی شده است (۱۷). عده‌ای نیز با اینکه عمل مزبور را حرام تلقی می‌کنند، اما تمایل بر این نظر دارند که طفل حاصل از این عمل، ملحق به صاحبان نطفه می‌باشد (۱). با این همه باید دقت داشت که تلقیح مصنوعی را نمی‌توان مصداق روایاتی برشمرد که ریختن منی مرد اجنبی در رحم زن اجنبیه را حرام می‌داند. شاید بدین‌جهت است که برخی از فقها، نظر بر آن دارند که اگر تلقیح اسپرم و اوول در خارج از رحم صورت گیرد و در رحم مصنوعی گذاشته شود، طفل حاصل از این عمل، به صاحبان اوول و اسپرم ملحق می‌شود (۲).

۳-۲. نقد و ارزیابی: به هر روی با دقت نظر به مذاق شارع مبنی بر مراقبت از فروج و دماء و مخالفت آن با اختلاط انساب، توجه به این مسأله نیز اهمیت دارد که عناوینی که در دلایل حرمت تلقیح اجنبی به اجنبیه آمده است، شامل فرض تلقیح اسپرم مرد اجنبی با تخمک زن اجنبی در خارج از رحم، نمی‌شود، حتی انتقال این جنین به داخل رحم نیز بلااشکال به نظر می‌رسد و چون محل شک است، اصل برائت جاری می‌شود، فلذا فرزند پدیدآمده از راه باروری مصنوعی در حالت مذکور را باید ملحق به صاحبان اسپرم و اوول دانست (۳).

همانطور که فوقاً بیان شد، در خصوص الحاق طفل به صاحبان نطفه، اختلاف نظرهایی وجود دارد که نهایتاً موردی که موجه‌تر به نظر می‌رسد، بیان شد (۴).

۳-۳. مسأله مورد اختلاف: اما مسأله‌ای که مطرح می‌شود، رابطه طفل به وجودآمده با شوهر زن صاحب اوول است. همانطور که بیان شد، در این حالت به جهت فقدان اسپرم سالم در بدن شوهر، از اسپرم یک مرد اجنبی استفاده می‌شود و از طریق تلقیح این اسپرم و اوول زن، فرزندی به وجود می‌آید که در خصوص رابطه این فرزند با شوهر صاحب اوول، نکته‌ای که وجود دارد، این است که با توجه به اماره فراش، اگر شرط مدت وجود داشته باشد، بنا به ظاهر این طفل را باید ملحق به شوهر زن دانست، اما در هر حال امکان اثبات خلاف این اماره وجود دارد، لذا از این مسأله استنباط می‌گردد که ملاک انتساب حقیقی در اینجا نیز همان رابطه‌ای است که طفل با صاحبان نطفه دارد و اماره فراش تنها ظاهری است که در مقام نبود دلیل برخلاف آن، حاکم می‌باشد، پس باید دقت داشت که شوهر زن صاحب اوول با فرزند حاصل‌شده هیچ‌گونه رابطه نسبی ندارد (۵). علت این مسأله آن است که نه در منابع فقهی و نه حتی در عرف، ملاک دیگری غیر از رابطه ژنتیکی به عنوان مبنای رابطه نسبی لحاظ نشده است. بنابراین در این حالت نیز رابطه نسبی را تنها مابین صاحبان نطفه و طفل حاصل‌شده، برقرار می‌دانیم.

۴. نسب فرزندان حاصل از باروری‌های پزشکی، در حالتی که به واسطه اشکال در تخمک (اوول) و یا فقدان آن در بدن زن، از اوول زن دیگری جهت تلقیح آن با اسپرم شوهر استفاده می‌شود:

بر اساس آنچه که پیش‌تر بیان شد، ترکیب اسپرم مرد با تخمک (اوول) زن دیگر اصولاً مشمول هیچ یک از عناوین حرام و خلاف شرع نیست و در ترکیب آن نیز عمل خلاف شرعی صورت نمی‌گیرد، به خصوص که اگر زن صاحب اوول بدون شوهر باشد و برای دادن تخمک، عقد نکاحی نیز بین او و آن مرد جاری گردد. در واقع در این حالت این زن، دهنده تخمک است و آن مرد و همسر او که مایل به داشتن بچه هستند، گیرنده تخمک می‌باشند. در این مورد ترکیب و ایجاد نطفه و انتقال آن به رحم همسر مرد را نیز نمی‌توان مشمول عنوان ممنوعه‌ای دانست (۶).

۴-۱. تعیین نسب: در خصوص نسب نیز باید مرد صاحب اسپرم و زن صاحب اوول را که از ترکیب سلول جنسی آن‌ها، نطفه طفل تشکیل شده است، پدر و مادر این طفل دانسته و طفل را به آنان منتسب بدانیم. این رابطه نسبی، حتی در حالتی که صاحبان اسپرم و اوول با یکدیگر رابطه زوجیت

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

نداشته باشند، نیز باقی است. همانطور که قبلاً بیان شد، علت این مسأله آن است که نسب حقیقت شرعیه‌ای ندارد، بلکه شرع در این مورد از عرف پیروی می‌کند و احادیث واردشده در این خصوص نیز تنها رابطه خونی حاصل از زنا را مقتضی انتساب نمی‌داند و بدون شک تلقیح مصنوعی مشمول عنوان زنا نیست (۷).

در حالتی که نازایی زن، از جهت اشکال در تخمک‌های اوست و با استفاده از تخمک زن دیگری و کاشت آن در رحم این زن، این مشکل حل می‌شود، برخی طفل حاصله در این حالت را ملحق به صاحب اسپرم و صاحب رحم می‌دانند و معتقدند که در واقع تخمک کاشته‌شده در رحم این زن تبدیل به عضوی از اعضای او شده و به همین جهت است که طفل را باید به او منتسب دانست (۸).

توجه به این نکته ضروری است که بر اساس نظرات پزشکی، منشأ پیدایش و سلول سازنده جنین از ناحیه مادر، تخمک زن است و رحم زن، اگرچه در تغذیه و رشد جنین مؤثر است، اما در پیدایش اولیه آن نقشی ندارد و نیز بر اساس عرف و آیه ۵۴ سوره فرقان و آیه ۲ سوره انسان، استنباط می‌شود که باید صاحب تخمک (اوول) را مادر جنین به حساب آورد و رابطه نسبی بین او و طفل را برقرار دانست (۹).

۴-۲. تحلیل و ارزیابی: اما مسأله‌ای که باقی می‌ماند، تشخیص رابطه این طفل با همسر صاحب اسپرم است. علت اهمیت بررسی این مورد آن است که در این حالت نطفه حاصل شده در رحم همسر صاحب اسپرم پرورش می‌یابد. در این حالت برخی برآنند که طفل حاصل‌شده نسبت به صاحب رحم، قرابتی مشابه قرابت رضاعی دارد و در این حالت ملاک قرابت رضاعی را موجود می‌دانند (۱۰)، البته همانطور که پیش‌تر نیز بیان شد، وجود رابطه رضاعی، نیازمند شرایطی است که این شرایط در مورد طرح شده، موجود نیست (۱۱).

به هر حال قدر مسلم این حالت، آن است که طفل با صاحبان اسپرم و اوول رابطه نسبی دارد و در خصوص زن صاحب رحم و رابطه او با طفل، اظهار پاسخی قطعی ممکن نیست، زیرا از میان ملاک‌هایی که رابطه اعتباری بین اشخاص را مشخص می‌کند، ملاک رابطه بین طفل و صاحب رحم معلوم نیست (۱۲).

۵. مسأله نسب اطفال حاصل از باروری‌های پزشکی با کمک شخص ثالث، در میان آیات قران کریم: در این بند اهتمام بر آن است تا با مراجعه به تعدادی از آیات قرآن کریم، مبنای انتساب شرعی اطفال به والدین آن‌ها بیان گردد و از رهیافت‌های آن در مسأله طرح‌شده استفاده شود. در این بند آیات ۳۶ سوره آل عمران، ۳۰ سوره انبیاء، ۵۴ سوره فرقان، ۲ سوره مجادله و آیه ۲ سوره انسان بررسی می‌شود.

۵-۱. آیه ۳۶ سوره آل عمران: در این آیه از کلمات «وَضَعَت» و «وَضَعتُ»، استفاده شده است که نشانگر آن است که برای القای مفاهیم «زائیدن، وضع حمل‌کردن، فروگذاردن و به دنیاآوردن» واژه صحیح، باید از ریشه «وضع» باشد (۱۳). این استعمال دلالت برآن دارد که برای القای مفهوم «تولید و ایجاد طفل از نطفه» این واژه درست نیست و واژه دیگری باید به کار گرفت. در آیه ۲ سوره مجادله نیز، برای بیان مفهوم «تولید و ایجاد طفل از نطفه» از عبارت «وَلَدنَ» استفاده شده است که این استعمال نیز خود دلالتی بر این معنا است (۵). لازم به ذکر است که برای اثبات تفاوت معنا بین دو واژه مذکور، به اصل عدم ترادف نیز می‌توان اشاره کرد (۱۴).

۵-۲. آیه ۳۰ سوره انبیا: این آیه دلالت برآن دارد که آب در هستی موجودات زنده دخالت داشته و حیات آنان بسته به آب است. همچنین کلمه «ماء» که در این آیه به کار رفته است، اشاره به «آب نطفه» که موجودات معمولاً از آن به وجود می‌آیند، دارد (۱۵).

۵-۳. آیه ۵۴ سوره فرقان: در ابتدای این آیه از واژه «الماء» استفاده شده است و بیان شده که انسان از آب، خلق شده است. یکی از معانی‌ای که مفسران برای کلمه «ماء» در این آیه ذکر کرده‌اند، معنای «آب نطفه» می‌باشد. به این صورت که این آیه بیان می‌دارد که همه انسان‌ها به قدرت خداوند و به وسیله آمیزش نطفه مرد با زن و ایجاد نخستین جوانه حیات انسان، یعنی اولین سلول زنده آدمی به وجود آمده‌اند. در ادامه این آیه نیز از کلمات «نسب» و «صَهر» استفاده شده

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

است که تفاسیر متفاوتی راجع به این دو کلمه وجود دارد. در یکی از این تفاسیر، بیان شده است که قبل از کلمات مذکور، یک کلمه «ذا» در تقدیر است؛ به این ترتیب که اگر عبارات «ذا نسب» و «ذا صَهر» در این آیه فرض شود، عبارت اول به مرد و عبارت دوم به زن بازگشت می‌کند. به این طریق می‌توان بیان داشت که منظور از «ذا نسب»، صاحب اسپرم می‌باشد و منظور از «ذاصَهر»، صاحب اوول می‌باشد که از ترکیب نطفه آنان، طفل ایجاد می‌شود (۱۶).

۵-۴. آیه ۲ سوره مجادله: معنای اجمالی آیه مذکور این است که «مادران تنها همان زنانی هستند که ایشان را زائیده‌اند.» برای فهم بهتر این باید به شأن نزول آن دقت نظر داشت. شأن نزول این آیه به یکی از سنت‌های جاهلی بر می‌گردد. به این صورت که در آن زمان، مردان با انجام عمل ظهار نسبت به همسر خود، او را به منزله مادر خود تلقی می‌کردند و به این وسیله چنین فرض می‌شد که از آن پس همسر آنان، نسبت به آنان حرمت ابدی دارد و یک رابطه نسبی نیز بین آنان و همسرشان برقرار می‌شود. این آیه با رد چنین سنت و عقیده‌ای، بیان می‌دارد که رابطه مادر و فرزندی به این طریق حاصل نمی‌شود (۱۷). تعبیری که در کتاب تفسیر نمونه در توضیح این آیه آمده است، به این صورت است که «مادر و فرزندبودن چیزی نیست که با سخن درست شود، یک واقعیت عینی خارجی است که هرگز از طریق بازی با الفاظ حاصل نمی‌شود.» مشابه مورد مذکور نیز در خصوص پسرخواندگی در آیه ۴ سوره احزاب بیان شده است. به این صورت که یکی دیگر از سنت‌های جاهلی آن بوده است که احکام پسر واقعی را نسبت به پسرخوانده نیز جاری می‌کرده‌اند که آیه ۴ سوره احزاب، با نادرست‌دانستن این عقیده، بیان می‌دارد که «این سخنی است که تنها با دهان می‌گویید» و هیچ واقعیتی در آن نیست. بنابراین آنچه از آیات مذکور برمی‌آید، آن است که مبنای رابطه طفل با پدر و مادر او امری تکوینی است و خارج از حوزه اعتباریات است.

نکته جالب توجه دیگر نیز آن است که آیه ۲ سوره مجادله به جای آنکه از ریشه «وضع» کلمه‌ای را در این آیه استعمال کند، از کلمه «وَلَدنَ» استفاده کرده است و همانطور که پیش‌تر بیان شد، کلمه «وَلَدنَ» دلالت بر «تولید و ایجاد طفل از نطفه (ترکیب اسپرم و اوول)» دارد، لذا با دقت در تفاوت معنایی این کلمات و جایگاه استعمال آن در قرآن، مبنای رابطه بین طفل و والدین نیز مشخص می‌شود (۱). بر این اساس مبنای این رابطه نسبی را باید در این مطلب دانست که پدر و مادر، در واقع همان صاحبان اسپرم و اوول هستند که از ترکیب سلول‌های جنسی آن‌ها نطفه تشکیل شده است.

۵-۵. آیه ۲ سوره انسان: معنای قسمت اول این آیه این است که «ما انسان را از نطفه مخلوطی آفریدیم»، کلمه «امشاج» که در این آیه به کار رفته است، به معنای «مخلوط و ممتزج» است. کاربرد این کلمه در این آیه به عنوان صفت کلمه «نطفه» می‌باشد که مراد از آن، وجود اجزای تشکیل‌دهنده نطفه است. به این صورت که مفسران، استنباط کرده‌اند که منظور از عبارت «نطفه امشاج»، اختلاط نطفه مرد و زن و ترکیب اسپرم و اوول می‌باشد که در روایات اهل بیت (ع) نیز اجمالاً به آن اشاره شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود، این آیه با این تفسیر، دلالت واضحی بر مبنای رابطه نسبی طفل و والدین او دارد (۱۷).

نتیجه‌گیری

باروری پزشکی با کمک شخص ثالث، موضوعی است که امروزه با توجه به گسترش عوامل ناباروری، از اهمیت دوچندانی برخوردار شده است و مقتضی آن است که دانش حقوق، سؤالاتی را که در خصوص احکام و آثار حقوقی این پدیده ایجاد می‌شود، پاسخ دهد. همانطور که بیان آن گذشت، در این خصوص، قانون جامعی وجود ندارد و از این روست که برای بررسی احکام و آثار آن، بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی، به منابع فقهی و فتاوی معتبر رجوع می‌شود. در این نوشتار نیز، که به بررسی نسب اطفال ناشی از تلقیح مصنوعی با کمک شخص ثالث، پرداخته شده است، به منابع فقهی مراجعه شد و ملاحظه شد که در تمام موارد تلقیح مصنوعی این مسأله وجود دارد که طفل حاصل از این نوع تلقیح، با

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

صاحبان نطفه، یعنی مرد صاحب اسپرم و زن صاحب اوول رابطه نسبی دارد که این مسأله قدر مسلم تمام این موارد است. در خصوص زن صاحب رحمی که پرورش نطفه در رحم او صورت گرفته است نیز نمی‌توان قائل به وجود رابطه نسبی بین او و طفل شد، اما در خصوص ایجاد یک رابطه، مشابه رابطه رضاعی، به جهت اختلافاتی که در خصوص مبنای این‌گونه رابطه وجود دارد، ارائه یک پاسخ قطعی هنوز ناممکن است.

نتیجه کلی‌ای که این نوشتار به آن پاسخ داد، این است که در صورتی که زوجین متقاضی توالد، صاحب اسپرم و یا صاحب اوول نطفه حاصله نباشند، طفل ایجادشده به کسی که صاحب اسپرم یا اوول نیست، شرعاً منتسب نمی‌شود. از این روست که اگر شخص ثالث، دهنده اسپرم باشد، باید او را به عنوان پدر طفل تلقی نمود و اگر شخص ثالث، دهنده اوول باشد، باید او را به عنوان مادر طفل شناخت.

مشارکت نویسندگان

محمدجواد حیدریان دولت‌آبادی تمامی مراحل پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تأمین مالی

نویسنده اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

References

1. Safai SH, Emami A. Summary of family law. 36th ed. Tehran: Mizan Publishing House; 2012. [Persian]

2. Tahsildoust F, Shahri GH-R, Goudarzi HR, Samadi Ahari MH, Rahimi Isfahani AA. Revised collection of legal laws and regulations. 1st ed. Tehran: Official Newspaper of the Country; 2005. Vol.1. [Persian]

3. Mouwad Muslimzadeh Studies Institute. Imam Khomeini's message on the explanation of Mohashi issues (six references). 5th ed. Mashhad: Hatef Publications; 2006. [Persian]

4. Mohammadi Hamdani A. Ten treatises on legal jurisprudence on emerging issues. 2nd ed. Tehran: Jangal Publications; 2011. [Persian]

5. Tabatabai SMH. Tafsir al-Mizan. Translated by Mousavi Hamdani SMB. Qom: Islamic Publications Office; 1984. [Arabic]

6. A collection of writers, under the supervision of Makarem Shirazi A. Sample commentary. 17th ed. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya; 1985. [Persian]

7. Ghazi H, Shariati S. Principles of applied jurisprudence. 8th ed. Qom: Hozwa Research Institute and University; 2012. Vol.1. [Persian]

8. Department of Jurisprudence and Law and Psychology, Ibn Sina Research Institute. New methods of human reproduction from the point of view of jurisprudence and law (collection of articles). 1st ed. Tehran: Mehr (Qom); 2001. [Persian]

9. Yazdi M. Artificial fertility and its jurisprudential ruling. 1st ed. In: New methods of human reproduction from the perspective of jurisprudence and law (collection of articles). Tehran: Mehr Publishing House; 2001. [Persian]

10. Shahidi M. Artificial insemination of human beings. 1st ed. In: Modern methods of human reproduction from the point of view of jurisprudence and law (collection of articles). Tehran: Mehr Publishing House; 2010. [Persian]

11. Mehrpour H. An approach to the legal and Shariah status of artificial fertility. 1st ed. In: Modern methods of human reproduction from the perspective of jurisprudence and law (collection of articles). Tehran: Mehr Publishing House; 2001. [Persian]

12. Rezania Moalem MR. The legal status (lineage) of a child resulting from embryo transfer. 1st ed. In: New methods of human reproduction from the perspective of jurisprudence and law (collection of articles). Tehran: Mehr Publishing House; 2013. [Persian]

13. Ghorbannia N. The obligatory and status ruling of transferring an embryo developed from the sperm and egg of a legal husband and wife to the womb of another woman. 1st ed. In: Modern methods of human reproduction from the point of view of jurisprudence and rights (collection of articles). Tehran: Mehr Publishing House; 2013. [Persian]

14. Shahidi M. The legal status of the laboratory child. 1st ed. In: New methods of human reproduction from the point of view of jurisprudence and law (collection of articles). Tehran: Mehr Publishing House; 2001. [Persian]

15. Shahidi M. Review of the legal aspects of embryo donation and transfer. 1st ed. In: New methods of human reproduction from the perspective of jurisprudence and law (collection of articles). Tehran: Mehr Publishing House; 2001. [Persian]

16. Jafarzadeh M. A review of the legal status of ART in different countries. 1st ed. In: New methods of human reproduction from the perspective of jurisprudence and law (collection of articles). Tehran: Mehr Publishing House; 2001. [Persian]

17. Emami A. The legal status of artificial fertility and embryo transfer. 1st ed. In: New methods of human reproduction from the perspective of jurisprudence and law (collection of articles). Tehran: Mehr Publishing House; 2001. [Persian]

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.